



نگاه قرآن به علم و عقلانیت و تأثیر آن در برپایی نظم و تمدن

در طول تاریخ هر تمدنی توسط اهل علم برپا شده دارای عقلانیت و نظم در کار بوده است؛ علم، عقلانیت و نظم مواردی است که از سوی قرآن توصیه شده، اما تفاوت‌هایی میان تلقی قرآن و تلقی رایج در جهان امروز وجود دارد.

در طول تاریخ هر تمدنی توسط اهل علم برپا شده دارای عقلانیت و نظم در کار بوده است؛ علم، عقلانیت و نظم مواردی است که از سوی قرآن توصیه شده، اما تفاوت‌هایی میان تلقی قرآن و تلقی رایج در جهان امروز وجود دارد.

حجت‌الاسلام و المسلمین احمد رهدار، رئیس موسسه فتوح اندیشه در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) به بیان نکاتی درباره حاکمیت معرفتی قرآن کریم در هویت‌سازی تمدنی پرداخت و گفت: اگر يك منظومه معرفتی بخواهد در جایی تمدنی بر پا کند، باید دید که چه الزامات و نیازهایی وجود دارد و آن منظومه تا چه حد می‌تواند آن لوازم را تأمین کند و مباحث نظری را پوشش دهد؛ در مورد قرآن هم همین طور است. بخش نخست این گفت‌وگو را در این‌جا بخوانید!

تمدن‌ها توسط اهل علم بنا شده است

رهدار با بیان این‌که در طول تاریخ هر جا تمدنی بر پا شده، آن تمدن توسط اهل علم بنا شده است، اظهار کرد: هیچ تمدنی را نداریم که جاهلان بنا کرده باشند. یکی از ارکان تمدن، علم است. لذا تمدن، برنامه، مهندسی، پیش‌بینی و علم نیاز دارد. در قرآن نه فقط به علم بها داده شده، بلکه مجموعه شاخص‌هایی که برای علم تعریف شده، ویژگی‌هایی متمایز از آن چیزی که ارتکاز انسان مدرن است، پیدا کرده است.

علم در قرآن

وی ادامه داد: علم در قرآن با تقوا، شکر، اخلاص و عالم غیب ارتباط پیدا کرده است. اینها در فضای تمدنی موجود نیست، البته يك توصیفات مشترکی هم بین علم قرآنی و علم موجود هست و به عنوان مثال می‌توان گفت که قرآن تجربه و تاریخ را نفی نمی‌کند. من به مابه‌الامتیازات علم قرآنی اشاره کردم؛ مثلاً فرض کنید در هیچ يك از مکاتب علمی ارتباطی میان علم و قلب بشر معرفی نشده، بلکه معمولاً علم را به لحاظ بیولوژی با مغز بشر مرتبط دانسته‌اند. هیچ جای قرآن بین علم و مغز رابطه‌ای بر قرار نکرده‌اند، بلکه رابطه بین علم و قلب است، یعنی يك پرونده جدیدیست که ما رابطه قلب با علم را مطرح کنیم و توضیح دهیم.

رهدار در ادامه بیان کرد: بنابراین نظام معرفتی قرآن مؤلفه علم را جدی گرفته و نه تنها توصیه کرده، بلکه تبیین متفاوتی از علم، ویژگی‌ها، شاخصه‌ها، فرآیند تحصیل و حتی نتایجش برای ما معرفی کرده است. ما در نظام‌های معرفتی رقیبی نداریم که گفته باشد «ثمره العلم الخشوع»؛ «؛ ثمره العلم العبودیه»؛ البته اینها قرآن نیست، روایت است؛ ولی این روایات را تفسیر قرآن در نظر بگیرد. علم در نظام معرفتی قرآن ویژگی‌هایی پیدا کرده است که در مبنا، اصول، نتایج، فرآیند حصول و قلمرو ارتباطی‌اش متفاوت، اما جدی گرفته شده است.

مسبوقیت تمدن به عقلانیت

رئیس مؤسسه فتوح اندیشه افزود: نکته سومی که باید به آن اشاره کرد، این است که هر تمدنی بر پا شده، مسبوق به عقلانیت بر پا شده؛ تمدن را عاقلان بر پا می‌کنند، نه سفیهان. ممکن است که ما با آن عقلانیت مشکل داشته باشیم، مثلاً فرض کنید عقلانیت قرآنی نه فقط نظم را بر می‌تابد، بلکه نظم را توصیه و تبیین می‌کند. تمدن‌ها بر پایه تشتت‌ها بر پا نمی‌شوند، هر کجا که تمدنی هست، نظم هست.

عقلانیت قرآنی و تفاوت آن با عقلانیت در دنیای مدرن

وی با بیان این‌که عقلانیت قرآنی، عقلانیتی نظم‌ستیز نیست، اظهار کرد: عقلانیت قرآنی اتفاقاً نظم را پیچیده‌تر از نظم دنیای موجود معرفی می‌کند، چون دنیای موجود دنیایی تک‌ساحت‌نگر است و در دنیای مادی هم نظم به تنظیم روابط ظاهری مادی تعریف می‌شود، حال آن‌که در نگاه قرآنی، نظم شکل بسیار پیچیده‌ای دارد، مثلاً قرآن میان گناه و بلا در عالم رابطه برقرار می‌کند. این در سیستم موجود قابل محاسبه نیست.

رئیس مؤسسه فتوح اندیشه ادامه داد: نظم کیهانی قرآن با نظم‌ای که در دنیای مدرن تعریف می‌شود، قابل مقایسه نیست، چون مناسبات عالم غیب در عالم ظاهر و در نظم موجود ضرب نمی‌شود، اما در نظم قرآنی این دو در هم ضرب می‌شود. مرحوم شهید دیالمه می‌فرمودند: شور مردم ما در روز در خیابان‌ها معلول سوز مناجات پیر ما در شب روی سجاده است. این رابطه را که اگر امشب ولیّ ما با سوز دیگری بر روی سجاده رفت، فردا شور ما در خیابان‌ها به گونه‌ای دیگر خواهد بود، این رابطه را دیگر نظم موجود نمی‌تواند رصد کند، اما نظام معرفتی قرآن توجه می‌دهد که عالم شامل يك عالم غیب و يك عالم ظاهریست و البته خود عالم ظاهر، غیبی دارد. لذا ما دو غیب داریم؛ يك عالم غیب داریم و يك غیب عالم داریم.

رهدار همچنین با اشاره به این مطلب که آن چیزی که عالم غرب از آن غافل است، عالم غیب است، عنوان کرد: آنها به غیب عالم اعتقاد دارند، مارکسیست‌ها و بی‌دین‌ها هم به غیب عالم اعتقاد دارند؛ لذا شما در نظام‌های کمونیستی هم چیزی به نام روانشناسی را که مربوط به غیب عالم است می‌بینید. روانشناسی مربوط به عالم غیب نیست. عالم غیب چیزی است که در قرآن آمده و بر عالم ظاهر تأثیر می‌گذارد.

وی در پایان این بخش از گفت‌وگو با بیان این‌که بحث عقلانیت قرآن بحث پیچیده‌ایست، عنوان کرد: دلیل آن هم این است که قرآن تك‌ساحت‌نگر نیست، بلکه چندساحت‌نگر است و طبعاً آنهایی که ساحت‌های مختلفی را می‌بینند، مؤلفه‌های متعددی را برای حل يك مسئله لحاظ می‌کنند.